



امام صادق (علیه السلام):
مَا مِنْ يَوْمٍ نِيرُوزٍ إِلَّا وَنَحْنُ نَتَوَقَّعُ فِيهِ الصَّرَجَ لِأَنَّهُ
مِنْ أَيَّامِنَا وَأَيَّامِ شِيعَتِنَا.
هیچ نوروزی نیست مگر آن که در آن روز منتظر فرج
هستیم؛ چرا که نوروز از روزهای ما و شیعیان ماست.
(مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۳۵۲)



جهاد علمی-قرآنی با تکمیل تدبر در قرآن و ارتقاء به دوره تدبر در دعا

بیانات آقای اخوت درباره موضوع جهاد، پنجشنبه ۱۹ اسفندماه (قسمت سوم)

روایت خوانی در باب جهاد:

در مورد بحثهایی که در حوزه جهاد بیان می شود چند بحث مهم و اساسی مطرح است که از جمله آنها اقسام جهاد است. درباره اقسام جهاد، روایاتی در کتاب چهل حدیث امام خمینی (ره) بدین مضمون مطرح شده است که پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) داشتند از جنگی بر می گشتند و افراد راحت شدن از جنگ و رزم را مطرح کردند، حضرت (صلی الله علیه و آله) فرمودند: الان نوبت جهاد اکبر است؛ پس دو نوع جهاد داریم، یکی جهاد اصغر و دیگری جهاد اکبر. جهاد اکبر را روی جهاد با نفس توضیح دادند. امام خمینی (ره) نیز کتابی به نام جهاد با نفس دارند که مبنای آن همین روایت شریف است. بر اساس این روایت، عرصه جهاد فقط بیرون نیست بلکه اصل، رزم و نبرد با دشمن است که این دشمن می تواند داخلی باشد. اتفاقاً اولویت هم با مقابله با دشمن داخلی است به این دلیل که اگر غلبه بر دشمن داخلی صورت نگیرد، بدیهی است که فرد در میدان جنگ هم نمی تواند موفق باشد.

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْجِهَادِ أَسَنَّهُ هُوَ أَمْ فَرِيضَةٌ فَقَالَ الْجِهَادُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَوْجُهٍ فَجِهَادَانِ فَرَضٌ وَجِهَادٌ سَنَّهُ لَا يَقَامُ إِلَّا مَعَ فَرَضٍ وَجِهَادٌ سَنَّهُ فَأَمَّا أَحَدُ الْفَرَضَيْنِ فَمُجَاهَدَةُ الرَّجُلِ نَفْسَهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَهُوَ مِنْ أَعْظَمِ الْجِهَادِ وَجِهَادُهُ الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ فَرَضٌ...؛ از امام صادق (علیه السلام) پرسیده شد که آیا جهاد سنت (مستحب) است یا فریضه (واجب)؟ امام فرمودند: جهاد چهار وجه دارد؛ دو وجه آن واجب است و یکی هم سنتی که اقامه نمی شود مگر با فرض و دیگری هم سنت می باشد. دو وجهی که بر هر کسی واجب است، اینکه انسان مجاهده بکند در سراغ گناه نرفت و این جهاد مستمر باشد و قسم دیگر مجاهده با کفار است و آنها به هر شیوه ای می خواهند شما را فریب دهند و اغواء بکنند و دین شما را به هر وسیله ای بگیرند.

پس این نکته منجر می شود که جهاد در همه سطوح مجاهده قرار بگیرد؛ اعم از فرهنگی، اقتصادی و... و فقط بسنده به مجاهده نظامی نشود زیرا کفار در هر زمانی به نوعی از انواع فرهنگی، اقتصادی، رسانه ای و... اغواء می کنند. با اینها باید جنگید و مقابله کرد. یک وقتی در نظام خانواده اختلال ایجاد می کنند؛ حتی مکانیزم و فرایند برای بهم ریختن خانواده ها و ایجاد اختلاف بین مومنین دارند و ما باید برای مقابله با اینها برنامه ریزی کنیم. نوع دوم جهاد هم انواعی دارد و بسته به زمان و موقعیت و شرایط و ابزار که دشمن استفاده می کند انواعش تعیین می شود.

...وَأَمَّا الْجِهَادُ الَّذِي هُوَ سَنَّهُ لَا يَقَامُ إِلَّا مَعَ فَرَضٍ فَإِنَّ مُجَاهَدَةَ الْعَدُوِّ فَرَضٌ عَلَى جَمِيعِ الْأُمَّةِ وَ لَوْ تَرَكَوا الْجِهَادَ لَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ وَ هَذَا هُوَ مِنْ عَذَابِ الْأُمَّةِ وَ هُوَ سَنَّهُ عَلَى الْإِمَامِ وَحْدَهُ أَنْ يَأْتِيَ الْعَدُوَّ مَعَ الْأُمَّةِ فَيَجَاهِدَهُمْ...؛ اما جهادی که سنت است و اقامه نمی شود مگر با فرض؛ مجاهدتِ عدو است و بر همه امت واجب است و اینطور

است که باید این جهاد را امام دستور بدهد. یعنی در ساحت امام و امت معنا می شود و اگر مردم این جهاد را ترک بکنند عذاب نازل می شود. تشخیص این جهاد هم به امام بر می گردد. سنت بودنش به این است که امام تشخیص دهد الان موقعیتش هست یا نیست. اما وقتی که اعلام کرد کسی نباید ترک کند یا اگر کسی خواست ترک کند باید امام به اندازه کافی تدارک سپاه داشته باشد که در آن صورت واجب کفایی می شود. سپس در واقع اصطلاح سنت برای ما همان واجب کفایی است، زیرا روایت درباره این قسم از جاهد می گوید سنتی است که اقامه نمی شود مگر با فرض. یعنی امام تشخیص می دهد در این عرصه عملیات بکند یا نه و این تشخیص برای امام، سنت است اما وقتی که او اقدام کرد همه باید اطاعت کنند و به اندازه کفایت هم باشد. مثل وضعیتی که برای مدافعان حرم است؛ مشارکت در این جهاد برای رهبری سنت است، ممکن است همین امروز بگوید نمی خواهیم نیرو بفرستیم و راهش را ببندند اما وقتی که اذن دادند، روی دوش امت است که به اندازه کفایت نیرو بفرستند.

...وَأَمَّا الْجِهَادُ الَّذِي هُوَ سَنَّهُ فَكُلُّ سَنَّهُ أَقَامَهَا الرَّجُلُ وَ جَاهَدَ فِي إِقَامَتِهَا وَ بُلُوغِهَا فَأَعْمَلُ وَ السَّعْيُ فِيهَا مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ لِأَنَّهَا أَحْيَاءُ سَنَّهُ...؛ در اینجا جهاد سنت کارهایی است که ما برای خودمان تعریف می کنیم که برای جامعه اقامه کنیم که می تواند انواع مختلفی داشته باشد؛ سنت بودنش به این خاطر است که ما متناسب با توان خود در بعضی عرصه ها کار قبول کنیم. اتفاقاً عمل کردن و سعی کردن در این فضا برترین اعمال است، زیرا همین برنامه ها و اعمال متنوع باعث می شود که سنت نبی احیاء شود.

...قَالَ النَّبِيُّ ص مِنْ سَنٍّ سَنَّهُ حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرٌ مِنْ عَمَلٍ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ؛ حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمودند: هرکسی حسنه ای را اقامه کند، برای او اجر آن حسنه هست و همچنین اجر هر کسی را که به آن تا روز قیامت عمل کند، هم برای اوست، بدون اینکه از کسی ثوابی کم شود.

پس دو نوع جهاد واجب داریم؛ یکی جهاد با نفس و دیگری جهاد با کفار که در هیچ حالتی نباید این جهاد را ترک کرد و باید همیشه براثت خود را از کفر در هر حالت و موضعی حفظ کنیم که منظور هم کفرهای اجتماعی است. سومین جهاد آن است که از طرف ولی جامعه عمومی می شود که برای ولی سنت است اما برای عموم مردم به اندازه کفاف، واجب است که امروزه به صورت تخصصی است؛ مثلاً اگر ولی گفت جهاد علمی، این برای کسانی که در دانشگاه هستند یا کارهای علمی می کنند واجب است و البته گاهی اوقات هم تخصیص نمی خورد و بر همه مردم واجب است، مانند حکم حمایت از تولید ملی از سوی رهبر انقلاب که برای عموم مردم است. چهارمین قسم هم اقامه سنت است. مثلاً کاری که الان شما در مورد قرآن انجام می دهید اقامه سنت است. تدبر در قرآن جزء سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. سنتهای پیامبر (صلی الله علیه و آله) هم معلوم است و در کتاب سنن النبوی علامه طباطبایی ذکر شده اند.

یا جن و یا هر چیز دیگری مجاهدان را در محاصره قرار می دهند و مثلا حتی در زندگی خانوادگی شان اختلال ایجاد می کنند. مگر اینکه کار جدی نباشد! وگرنه اگر کار جدی باشد و بخواهد نظام استکبار را بهم بریزد، صهیونیست را نابود کند و خلاصه مسیر جامعه را تغییر دهد، حتما با جن و سحر ارتباط دارد. تمام عملیاتهای مجاهدان فرهنگی، توسط کمپانی های اسرائیلی سحر یاب و متصدی سحر و جن رصد می شوند و این غیر از شنوهای معمولی آنهاست. حالا فردی وارد عملیات می شود و نمی داند و در بمبارانی از آنها قرار می گیرد. این رویکرد برای ما یک زمانی گمانه بود اما الان یقینی است.

طرحی که در سیر دوره های تدبیر در قرآن و دعا رخنه شده است، طرحی است که برای اقامه سنتهای الهی مدنظر بوده و در نتیجه یک سری لوازم نیاز دارد. افرادی که در رأس آن هستند، باید عالم شوند و عالم آن باید حرز داشته باشد. باید محافظت داشته باشد. باید بتواند برای خودش حرز درست کند. پس با باید برود سراغ علمایی که علوم غریبه می دانند، که خیلی هم کم اند و یا اینکه باید در سیر تدبیرهایی که می خوانند، به این سمت برود. مسئولانی که در مدارس هستند باید بتوانند کم کم برای خودشان محافظت های دائمی داشته باشند. دوره تدبیر در دعا، محتوایی برای افرادی است که می خواهند وارد عملیات اجتماعی شوند. ما تا موقعی که وارد تدبیر در دعا نشویم، هیچ عملیات جدی ای نمی توانیم در جامعه داشته باشیم. چون اگر در عملیات جدی وارد شویم، آسیبهایی که به افراد خودمان ممکن است وارد شود، را نمی توانیم پیش بینی کنیم. البته ممکن است کسی بگوید این حرفها همه اش توهم و خیال است. هر کس فکر می کند حرف بنده خیال و توهم است، پس بسم الله! شروع کند به کار کردن، اما تبعات کارش را خودش بر عهده بگیرد.

برای ورود به این دوره هم، تا تدبیر در قرآن تمام نشود تدبیر در دعا اجازه ورود نمی دهد. اینها یک نظام دارند که نظامشان به هم وصل است. فرد باید بتواند دعا را با قرآن پیوند و ارتباط دهد تا بتواند حقایق را احضار کند. ما حداقل باید دو سه نفر آدم اینجوری داشته باشیم، نه اینکه هیچ کسی در بساط نباشد! باید برایمان روشن شود از قرآن خواندن چه قصدی داریم؟ یا مدرسه قرآن قصد دارد عملیاتی انجام دهد که اقامه سنت کنند، پس یعنی باید خودش را با استکبار جهانی در بیاندازد. و یا اینکه می خواهد همینطور کارهای تفننی و دورهمی بکند. ما برای دورهمی نیامده ایم. اغلب افرادی که آمده اند، از زندگی و همه چیزشان گذشته اند. بالاخص برای آقایان، چون بهر حال مسئولیت زندگی را هم به عهده دارند و با تبعات خیلی زیادی دارند دست و پنجه نرم می کنند.

هیچ چیزی به اندازه بالا رفتن علم تدبیری افراد اهمیت ندارد. دلایل اینکه شما در هر عرصه ای که وارد شوید، شکست قطع است. من این شکست را تضمین می کنم! و با مبنای علمی می گویم، چون تقریباً همه مناطق فرهنگی که دارند در حوزه فرهنگ به طور مستقیم یا غیر مستقیم تصمیم گیری می کنند یا دیده ام، یا با آنها بوده ام و یا اینکه رصدشان کرده ام. با پول نمی شود کار کرد اما با علم تدبیری می شود.

یک موقعی ما این حرفها را می گفتیم، اما الان دیگر کتابهایش نوشته شده است و فقط باید سیر علمی را طی کرد. بنده می خواهم اعلام کنم که هر کسی مسیر تدبیری خود را تعیین کند، هر کس هم تا هر سطحی که رسید، می تواند خدمت کند. مثلا یک نفر می گوید از نظر کشش، فقط تا دوره قرآن به قرآن می تواند بخواند. می گویم خدا را شکر! تو در همین سطح همان چون می خواهیم صف درست کنیم. یکی دیگر می گوید من تا دوره تدبیر در سور مکی می توانم بخوانم. می گویم اشکالی ندارد و صف را درست می کنیم و... خلاصه اینکه هیچ کس را حذف نمی کنیم اما بایستی یک عده تان تا دوره تدبیر در دعا بالا بیاورید، حداقل دو تا چهار نفر از کل جمع. ما تعیین نمی کنیم چه کسی باید بالا بیاورد اما نهایتاً مدرسه قرآن باید نصاب علمی داشته باشد. چون رقبای بعدی ما اساتید دانشگاهی هستند که رهبر فکری یک رشته اند. یعنی ما باید هم کلام و هم مباحثه ای با آنها بشویم. پس فرد باید بتواند برود و بگوید که ای استاد فلان رشته! که همه سیستم وابسته به توست، این مسیری که تو داری

سنت پیامبر ﷺ طیب گزینی است یعنی مسائلی که در مورد پوشش، تغذیه سالم، سبک زندگی توحیدی و... می باشد را شامل می شود.

گزارش از روند مجمع مدارس و توصیه ها:

رسم ما بر این بوده که در پایان هر سال گزارشی از عملکردها بگیریم و بعد افقها و چشم اندازهای در نظر گرفته شده برای سال بعد را احصاء کنیم. گزارشی که در چند هفته اخیر گرفتیم نشان می دهد کارهای انجام شده خیلی زیاد است و الحمدلله دستاوردهای زیادی بوده است. البته بنده دستاورد داشتن را از امکانات به دست آوردن و ایجاد شرایط جدید متوجه می شوم، نه از آمار. یکی از امکاناتی که برای مدرسه در حال مهیا شدن است اختصاص یک فضای جدید در نزدیکی مدرسه قرآن است. هر چقدر سواد و علم مجموعه بیشتر بالا رود، امکانات بیشتری هم به آن اختصاص داده می شود. به همین دلیل به دوستان انتشارات و کادرهای اجرایی مدارس توصیه اکید می کنیم که به جای اتلاف وقت برای جور کردن امکانات، بنشینند و درس بخوانند. اعتقاد داریم وقتی این افراد درس می خوانند، خود امکانات می آیند! هر وقتی هم که به این توصیه عمل کرده اند، امکانات آمده است بدون اینکه بخواهیم خیلی تلاش کنیم. دلیلش هم این است که وقتی یک مدیر بیرونی، فکری به ذهنش می رسد که مثلا خوب است فلان هزینه را برای فلان کار قرآنی خرج کنیم، یک دفعه می بیند که همان موقع عقاب مدرسه قرآن بر بام آنجا نشست و امکانات را گرفت! در واقع این اتفاقات هم زمان می شوند. مدیران و مسئولان همیشه در ذهنشان یک چیزی می چرخد بلکه در یک لحظه مثل رعد و برق می آید و این جرقه ها در اثر جهد علمی و معنویت جمعی قرآنی اتفاق می افتد. بنابراین امکانات گرفتن زمان نمی خواهد بلکه اتفاقا اگر زمان خواست معلوم می شود یک جای کار ایراد دارد.

در کل، گسترش بیرونی تابع تحولات درونی افراد است. اگر ما بخواهیم در بیرون کارهای مختلفی بکنیم باید در درون تحولات مختلفی داشته باشیم. در غیر این صورت خدا که همه کاره عالم است اجازه فعالیت ما را در مکانهای مختلف صادر نمی کند. به اندازه ای که در علم عقب باشیم، در عملیات هم عقب هستیم. از پیش بینی ای که می کنیم که در عملیات چقدر می توانیم جلو باشیم، متوجه می شویم چقدر در علم عقب هستیم. یعنی از اینکه ما پنج برابر وضعیت حال حاضر نیستیم، می فهمیم از نظر علمی پنج برابر عقبیم. مجموعه تقریباً اینطور است که کار جمعی آن یک پنجم کار فردیش می شود، در حالیکه باید این عدد برعکس باشد. محاسبه کردن کار خوبی است و وقتی محاسبه می کنیم خیلی از حقایق واضح می شود. از نظر علمی در مجموعه ما کار زیادی اتفاق نیفتاده است، هر چند به نسبت بیرون و جامعه، سطح اینجا خیلی بالاست اما نسبت به وضعی که باید باشد، نیست. اشکال اصلی هم به خاطر ضعف محتوایی و علمی است و حتما باید جبران شود. هر مقدار که نخبگان اولیه و بالادست مدارس تخصصی، اعم از کادر مدارس، گروه های منظومه کتب و دست اندرکاران علمی رشد کنند، امکانات و اعضایی که جذب می شوند و قدرتهایی که القاء می شود، به مراتب زیادتر است. نشانه درس خواندن افراد را در گشایشها می بینیم. زیرا ﴿اذا جاء نصر الله والفتح﴾ و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا...؛ یعنی نصر خدا و فتح، محصول عملیات افرادی است که باید انجام بدهند تا نصر و فتح بیاید.

مثلا ما باید سه سال پیش به دوره تدبیر در دعا می رسیدیم، ولی بنده حدس می زنم تا دو سال دیگر هم نرسیم. حال اگر ما به دوره تدبیر در دعا نرسیم، چه اتفاقی می افتد؟ هیچ اتفاقی نمی افتد! و فقط هیچ اتفاقی نمی افتد! چون اگر کسی علم تدبیر در دعا نداشته باشد، نمی تواند متناسب با عملیاتی که می کند برای خودش حرز، حجاب و ستر در مقابل دشمنان ایجاد کند و عملیاتش حتما با تخریب درونی و بیرونی مواجه می شود. این نکته ای که می گویم شعار نیست بلکه واقعیت است. وقتی نیرو آماده می کنیم و وارد صحنه عملیات می شویم، اگر کار جدی بخواهد صورت بگیرد، یا سحر،

حاکمیت. هر دو را با هم جمع کرده است. یعنی در این سیر، فقیه را اولاً به راحتی و سهولت به حکم می‌رساند، ثانیاً به راحتی و سهولت به حاکمیت می‌رساند. در هیچ جای تاریخ این دو با هم نبوده‌اند. یا یکی از این دو بوده و یا هیچ کدام نبوده است. من یقین دارم به این چیزی که دارم می‌گویم، البته شاید شما باور نکنید. من می‌دانم این طرح چرا در دست ما افتاده است، مثل گنجی است که در دست ما قرار گرفته است. در این سیر تدبیر از قرآن به دعا، یک نظام فکری فقهی با دو بُعد به متدبر می‌دهد؛ بُعد کشف حکم و بُعد اجرای حکم. این دو تا در تاریخ اسلام با هم نبوده‌اند و همیشه فقط یکی از اینها بوده است. این طرح از برکات انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) و ثمره حرکت شهداست.

ممکن است شما تدبیر را فقط آشنایی و انس با قرآن بدانید اما اگر فقط این بود که نیازی به این همه دنگ و فنگ و نظام نداشت! می‌شد فقط ختم مفهومی قرآن برگزار کرد و نهایتاً افراد تا دوره قرآن به قرآن را بخوانند تا به قرآن انس و تسلط پیدا کنند. در صورتی که الان بعد از ۱۰ جلد کتاب روشهای تدبیر در قرآن، چهار کتاب دیگر هم باید خوانده شوند و بعد به دوره تدبیر در دعا می‌رسیم، پس این سیر علمی دارد یک نظام فکری می‌چیند.

ممکن است بپرسید آیا ما می‌توانیم این نظام فکری را مطالعه کنیم؟ آیا ما آدم آن هستیم؟ می‌گوییم می‌دانیم! اما وقتی در دست و بال ما افتاده است و نزدیکش هستیم، می‌رویم ببینیم که آیا ما جزء افراد آن هستیم یا نه. این حرفها، ناگفته‌های تاریخ است که اگر دو هزار نفر را آموزش بدهید اما همه ریزش پیدا کنند و فقط چهار نفر بتوانند به رأس قله برسند، هم کافی است! می‌پرسیم یعنی چه؟ یعنی اینکه، اسم آن نظام فکری است. نظام فکری یعنی اینکه ابداع یک فکر می‌تواند کل عالم را تسخیر کند. اگر کسی خواست روی حرف بنده شک یا نقد کند، کافی است برود و همین وضعیتی را که در دنیای امروز جاری است را بررسی کند و ببیند سرخ آن کجاست؟ سرخ را که بگیرد به دوره رنسانس و تحول بعد رنسانس می‌رسد. بعد برود بررسی کند که این چه فکری بود که یک دفعه اتفاق افتاد و بالای همه فکرها قرار گرفت و جهان هستی را به این سمت حرکت داد؟ نگاه که می‌کنید، ریشه آن یک فکر بیشتر نیست. در روش‌شناسی هم که بررسی می‌کنید می‌بیند که یک روش بیشتر ندارد؛ فکر رنسانس نوعی امامت است اما با حاکمیت علم و نه دین. در حالیکه تدبیر، یک نظام فکری است با حاکمیت قرآن و هر دو ساحه علم و دین. یعنی هم علم تکوینی و هم علم تشریعی را دارد. امیدواریم که به مسیر تحقق این جریان نزدیک بشویم.

بنده بعضی وقتها احساس عذاب وجدان می‌کنم از اینکه فکری در وجودم هست، در حالیکه این فکر ممکن است اختصاص به من داشته باشد و بقیه لازم نباشد آن را ادامه دهند. چه لزومی دارد که افراد کشیده بشوند و بالا بیایند؟ خب خیلی کارهای کاربردی‌تر هم می‌شود در جامعه انجام داد. الان می‌شود محور فعالیتهای مدرسه قرآن را روی خانواده و نسل توحیدی گذاشت و آقای غفرانی را هم به عنوان رهبر این جریان قرار دارد. ما الان برای عملیاتی‌هایی مثل مسائل خانواده و نسل توحیدی خیلی آمادگی داریم. سریع می‌توانیم وارد جامعه شویم و بخشهایی را اصلاح کنیم. گاهی به ذهنم می‌رسد که بگویم خودتان تصمیم بگیرید و یک مسیر متعادل را انتخاب کرده و روی آن وفاق پیدا کنید و به این نظام فکری کاری نداشته باشید. همان مقداری که از کتب لازم است، اخذ کرده، تکثیر کنید، جلو بروید و عملیاتی کنید. اما بنده به فکر اصلاح دانشگاه، ساختار نظام جامعه، ساختار وزارتخانه‌های کشور، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان و... هستم. به فکر انقلاب قرآنی و تغییر مبانی فکری هستم. شما ممکن است بگویید مگر در حدی هستی که بخواهی این کار را بکنی؟! دستم را بالا می‌برم و می‌گویم راست می‌گویید! اما می‌دانم این چیزی که عطا شده، برای این کار است. ممکن است این امانت باشد برای نسلهای بعدی تا یک نفر بیاید و در آن پیش رود. ولی این مقدار، امانتی در اختیار ما بوده است. ادعایی نداریم که ما همانی هستیم که این اصلاحات را می‌تواند انجام دهد ولی می‌دانیم این نظام

می‌روی، به این دلایل علمی به سوی جهنم است. باید ایستاد و مسیر را گفت و سکان‌دار آن کار شد. یعنی مسیر مجاهده ما اینطور است. اما الان می‌توانیم این را ادعا کنیم تا وقتی که چند نفر در مجموعه‌مان داشته باشیم که تدبیر در قرآن و دعا را کامل خوانده باشند. می‌شود فقط ادعا کرد و الا ایده‌هایمان تبدیل به جناح‌بندی و معارضه‌های الکی می‌شود، بدون اینکه هیچ دستاوردی داشته باشد و گویی فقط در جامعه صف‌بندی و اختلاف ایجاد کرده‌ایم. شرایط فعلی مدرسه قرآن اینطور است که اگر بالا نیاید و بعد از مدتی در عرصه‌های مختلف نتواند حرفی برای گفتن داشته باشد، در جامعه اختلاف ایجاد می‌کند. به قول یکی از علماء: علم، کم‌اش ضرر دارد. یعنی اگر شما تا حدی یاد گرفتید و بالا نرفتید، به جای اینکه منجر به هدایت شود، منجر به اختلاف در جامعه می‌شود. یا باید بروی و سرقله را فتح کنی و یا اگر فکر می‌کنی نمی‌توانی سرقله را فتح کنی و کسی با تو همراه نیست، لطفاً بیا و بگو که سطح تدبیر همانی باشد که آقای الهی‌زاده و آقای صبحی تألیف کرده‌اند و اعلام کن که اینها را درس ندهید چون انحراف ایجاد می‌کند. این حرفها تعارف نیست. اگر کسانی قصد ندارند این مسیر را طی کنند، یا فکر می‌کنند که افراد این مسیر، دیگرانی هستند و ما کشش و استعداد این کار را نداریم و کار سختی است، یا فکر می‌کنند برای نسل بعدی است، اشکال ندارد، همه با هم تصمیم بگیرند و در یک حدش توافق کنند. بقیه سیر علمی را هم حذف می‌کنیم و به سمت عمومی‌سازی می‌رویم ولی دیگر حق نداریم این محتوا را در دانشگاه ببریم و ادعای تولید علم کنیم. حق نداریم برای طرحهای علمی و اصلاح‌نهادهای حکومتی سینه سپر کنیم. اینها با سطح عمومی اصلاح نمی‌شوند. پس اگر بنا داریم وزارت آموزش و پرورش، آموزش عالی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و... اصلاح شوند، راه آن بالا آمدن است. باید بالا بیاییم. نمی‌شود که من بخواهم بت اعظم را بشکنم اما وارد شهری که بت در آن است، نشوم! این نکات را از این جهت عرض می‌کنم که ما الحمدلله در گسترش تدبیر در قرآن بسیار ساعی و کوشا بودیم، اما در عمق‌بخشی‌اش، خیر!

پیش‌بینی معمول مجموعه از نظر سطح علمی این است که دو سال دیگر به دوره تدبیر در دعا می‌رسد. ولی آیا ممکن است این بازه کوتاه‌تر شود؟ بله. مثل همین روندی که برای کتاب صحیفه فاطمیه اتفاق افتاد. صحیفه فاطمیه یک عنایت و هدیه به مدرسه قرآن بود که کار را بسیار راحت کرد. الان اعضای که در روند جلسات طهارت نفس با ادعیه صحیفه فاطمیه کار می‌کنند و ادعیه را خوانده و با آنها مأنوس شده‌اند، خیلی روان به سطح تدبیر در دعا می‌توانند برسند. تدبیر در دعا در واقع انس‌گیری با ادعیه و زندگی کردن با آنهاست. سیر آن به صورت کتاب‌خوانی نیست و مانند تدبیر در قرآن تجزیه و تحلیل‌های این شکلی و به این معنا ندارد. روندش وارد عملیات شدن و حرز بستن است، مثل صبحها که بیرون می‌آییم و یازده بار سوره توحید را برای محافظت می‌خوانیم. وضعیت دعا اینطور است که کششی دارد که افراد را به سمت خودش جذب می‌کند اما اگر فرد در قرآن خواندن قوی نشده باشد، میل به قرآن خواندنش کم می‌شود و اگر بخواهد این دو را موازی کار کند، باید دو برابر وقت بگذارد. یعنی هم تکلیفهای قرآنی را انجام بدهد و هم داعی را. البته تکلیفهای تدبیر در دعا بیشتر حالت عملیاتی دارند. در کل می‌خواهم این را عرض کنم که برای اینکه وارد عملیات بشویم و واقعا عملیات ثمربخش باشد، هر درسی که می‌خوانید -ولو مقدمات تدبیر را- خوب بخوانید. علتش هم اینکه هر کس هر درسی را بخواند، برای همان درس یک عملیات در نظر گرفته شده است. یعنی اصلاً مهم نیست چه کسی چه چیزی را می‌خواند بلکه مهم این است که هر کس هر چیزی را می‌خواند، خوب بخواند. مدرسه قرآن، شبیه دانشگاه و مدرسه نیست که فکر کنیم اگر مثلاً سوره ناس را هم خوب نخوانیم اتفاقی نمی‌افتد! آدم اگر سوره ناس را خوب نخواند، خب نمی‌تواند به آن عمل کند. پس سوره ناس را طوری بخوانیم که بتوانیم از وسواس خناس در امان باشیم.

طرح تدبیر در قرآن و دعا، در طول تاریخ اسلام، بدیع‌ترین طرح در حوزه عملیات و فقه حکومتی بوده است. به دلیل اینکه هم فقهت در حکم دارد و هم فقهت در

و اصلاً و ابداً اینطور نیست که نبوغ مولف باشد بلکه رزق و نیاز جامعه بوده است. خلاصه نکات اینکه مجموع مدرسه‌ها و افراد در تصمیم‌گیری برای انتخاب مسیر آزادند اما اگر بنا شد که این مسیر را انتخاب کنید، انتخاب کنید. نگذارید همینطوری جلو بروید. با همینطوری رفتن جواب نمی‌گیرید بلکه دچار ادعا می‌شوید و بین قول و فعلتان فاصله می‌افتد و اینطوری افراد خطرناک می‌شوند. اگر هم در سطحی هستیم که مثل آقایان الهی‌زاده و صبحی عمل می‌کنیم - که خدا خیرشان دهد که در مسیر تدبیر عمومی در قرآن اقدام کرده و جامعه را نورانی می‌کنند و چقدر هم خوب است - حتی می‌توانیم وحدت ایجاد کرده و کلاسها و کتابهایشان را بیاوریم و از آنها هم دعوت کنیم.

۱. ملاذ الأخیار فی فهم تہذیب الأخبار، ج ۹، ص: ۳۲۹، باب اقسام الجہاد، حدیث اول.
۲. سوره مبارکہ نصر، آیات ۱-۲.

فکری همانی است که می‌تواند آن کارها را انجام دهد. در حال حاضر، مجموعه تابع نظریه‌ای شده است که هنوز اثبات نشده و این خوب نیست و قصد بنده نیز در مدرسه قرآن این نبود. علت اینکه مدارس را جدا کردیم به همین دلیل بود که هر مدرسه‌ای متناسب با نظر مسئولان خود تصمیم‌گیری کند و اگر خواستند بگویند ما این طرح را قبول نداریم و علم دیگری را بلند کنند. ما هم کمکشان می‌کنیم. اگر فردا کسی آمد و گفت ما این حرفهای که زدید را قبول داریم، مگر نمی‌گویید فقط چند نفر پیشرو در این نظام فکری می‌خواهید؟ آنها را جدا کنید و بقیه را بگذارید که در لایه گسترش عمومی تدبیر عمل کنند. بنده می‌گویم مسئولیت بقیه را شما به عهده بگیرید و برایش برنامه بریزید و هرکاری می‌خواهید بکنید، قبول است. بنده هم فقط روی همان تعداد محدود سیر علمی را اعمال کرده و بالا می‌برم. اعجازهای مختلفی که در تألیف کتب اتفاق افتاده است را اگر دقت کنید خیلی درس آموزند. مثلاً بعضی از این کتابها را اگر پژوهشکده‌ای می‌خواست بنویسد، باید دو-سه سال کار پژوهشی می‌کرد. حالا در عرض یک ماه نوشته و چاپ شده و به دست مشتری رسیده است

یادداشت علمی

استعاده‌ای از سکوت و بی‌تفاوتی

برگرفته از مباحث تدبیر در سور مدنی و مهارت‌های بلوغ عاطفی

فاطمه هنرآزاده

خدایا پناه می‌برم به تو از سرگرمی که مرا از اطرافم باز می‌داری.

خدایا پناه می‌برم به تو از اینکه در طوفان، تنها به نجات خود بیاندیشم.

خدایا پناه می‌برم به تو از معنویت که مرا از همسایه‌ام، هم‌شهری‌ام، از هم‌وطنم، هم‌دینی‌ام غافل می‌کند.

خدایا پناه می‌برم به تو از همه ترس‌هایی که نمی‌گذارند حرف بزنم، فریاد بزنم.

خدایا پناه می‌برم به تو از همه ترس‌هایی که مرا به زمین می‌چسبانند و نمی‌گذارند بلند شوم.

خدایا راضی نباش و نگذار به خودم سرگرم بمانم. نگذار کوچک بمانم و به دنیای کوچک خودم راضی بمانم.

می‌دانم نور تو عالمگیر خواهد شد، این منم که نیاز دارم خودم را برسانم. من نیاز دارم که بلند شوم و خود را ملحق کنم و انگار این بلند شدن بدون بلند کردن خواهران و برادران ایمانی‌ام اتفاق نمی‌افتد. این ملحق شدن بدون ترجیح آنها بر خودم و جان‌فشانی برای رسیدن آنها محقق نمی‌شود. تو همه ما را «با هم می‌خواهی»، تو «همه» را می‌خواهی، نه «مرا».

خدایا راستش را بخواهی من از سکوت‌هایم خسته شده‌ام. خجالت می‌کشم وقتی می‌بینم کسی خلاف حرفها و خواسته‌های تو عمل می‌کند و من سکوت می‌کنم و بلد نیستم حرفی بزنم. خجالت می‌کشم از بس سکوت کرده‌ام و به آتش درونم از دیدن صحنه گناه پاسخ نداده‌ام. دلم برای خودم می‌سوزد، طفلک خیلی نحیف شده، از بس دستی نگرفته دیگر دستی

هم برایش نمانده.

خدایا نپسند به گروهی ملحق شوم که صم بکم عمی، فهم لایعقلون خوانده‌ای‌شان. من زبان دارم، من چشم دارم... اَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَیْنِیْنَ وَ لِسَانًا وَ شَفَتَیْنِ؟ خدایا کمک کن فریاد دادخواهی از خودم را به گوش خواهران و برادرانم برسانم. دستم را بگیرند و بلند شویم، همه‌مان.

با چشم آنها ببینم با زبان آنها حرف بزنم. با دست آنها دست بگیرم. با پای آنها قیام کنم. دیگر چه مانده از وجودم؟ برادران و خواهرانم! شما بگویید! دیگر چه می‌توانم بیاورم در میدان از جان و مالم؟ شما نشانم دهید! تو بیا دست روی پای من بگذار و بلند شو. تو بیا دست را می‌گیرم، برو بالاتر میدان را نگاه کن و به من بگو کجای میدان نیرو ندارند؟ دیگری! تو بیا به به من یاد بده چطور حرف بزنم؟ آهای تو! بیا بگو من که را برای کمک به تو بیاورم؟ تویی که نمی‌توانی بایستی، حرفهای ناگفته‌او را فریاد بزن. تو بیا در آغوش بگیرم و تنگ بفشارم، حالت خوب میشود؟ آنقدر بیایم و برویم که گم شویم، همه‌مان. در هم شویم. پیکر واحد شویم، دیگر معلوم نشود کی دست است، کی پاست. همه هستند.

خدایا به حق آن اسم که برادرانمان برای الحاق به صف مومنین تو را خواندند: «ربنا انک رثوف رحیم»

یا رثوف یا رحیم

یا رثوف یا رحیم

یا رثوف یا رحیم

...

آمین.

یکی از پیچیده‌ترین لحظات و اتفاقات عالم، روزها و لحظات پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام است. تحلیل اتفاقات آن روزها آنقدر پیچیده بوده که موضع‌گیری افراد در برابر آن در طول تاریخ، آنها را در گروه‌ها و فرقه‌های مختلف قرار داده است. آنچه بر دختر گرامی و برادر عزیز رسول اسلام در آن ایام گذشته است هر چه که بوده، بیش از هر چیز تعجب انسان را برمی‌انگیزاند. چه می‌شود که مهاجرین و انصار بعد این همه جان‌فشانی‌ها، حالا سکوت می‌کنند؟ چطور به اهل بیت علیهم‌السلام پیامبر تعرض می‌شود و کسی کاری نمی‌کند؟ دختر پیامبر با جسم بیمار و زخمی، دست در دست طفلانش درب خانه‌ها را یکی یکی بزند و پاسخی نشنود؟ این همه سکوت و بی‌تفاوتی از کجا آمد؟ سکوتی که تبعاتش سرنوشت بشر را برای همیشه عوض کرد. بانو خود دست به کار می‌شود، خودش برمی‌خیزد و کاری می‌کند که تا به حال سابقه‌اش را کسی ندیده و نشنیده است. تا پدر بود کسی از او صدایی نشنید و عملی ندیده بود، ولی حالا کاری می‌کند که حسابش را نکرده بودند. وارد مسجد می‌شود و برای همه مردان و زنان سخن می‌راند... ولی باز هم سکوت می‌شنود. چقدر درد دارد این سکوت. خدایا پناه می‌برم به تو از سکوت بی‌موقع. خدایا پناه می‌برم به تو از بی‌تفاوتی.

صاحب امتیاز | احمد رضا اخوت

زیرنظر | هیأت سردبیر

مدیر مسئول | فاطمه سادات شریعت‌مدار

هیأت تحریریه | دانشجویان مدرسه قرآن و عترت علیهم‌السلام (کاشفیون)

کانال اطلاع‌رسانی

مجمع مدارس دانشجوی قرآن و عترت علیهم‌السلام

@QuranEtratSchool

